

گروه حوادث– صبح ۲۳ اردیبهشت امسال، فریادهای کمک خواستنی یک زن به نام‌ شیرین در باغی در حاشیه شهری پیکید و همسایه ها که هراسان از خانه شان بیرون دویده بودند برای کمک به این زن وارد باغ شدند. آن‌ها با پیکر نیمه جان زن سالخورده‌ای روبه‌رو شدند که به شدت کتک خورده بود. مرد ۲۸ ساله‌ای به نام محمد که این زن را تا یک قدمی مرگ کُشسانده بود هماد موقع به داخل انباری باغ رفت و آن جا پنهان شد.

همسایه ها بلافاصله با کالتری ۱۳۱ شهری تماس گرفتند و پیکر نیمه جان شیرین به بیمارستان منتقل شد. آن‌ها در بررسی باغ، صدای ضعیف مردی را از داخل چاهی در انتهای باغ شنیدند که کمک می‌خواست.

به این ترتیب، پلیس و مأموران آتش نشسانی وارد باغ شدند و پسر جوانی به نام شهاب را که در چاه گرفتار شده بود بیرون آوردند. شهاب که پسر شیرین بود نیز به بیمارستان منتقل شد و مأموران آتش نشانی در بررسی عمق چاه با جسد مردی روبه‌رو شدند که مشخص شد شاپور، برادر شیرین است. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل و راز گشایی از جنایت هولناک در باغ آغاز شد.

مأموران پلیس، محمد را که در انباری باغ پنهان شده بود بازشناخت کردند. این مرد ۲۸ساله پس از کُشتن شاپور، می‌خواست خواهر وی و پسرش را نیز بکشد که در اجرای نقشه اش ناکام ماند.

اعتراف به جنایت

محمد در بازجویی‌ها به قتل شاپور و شروع به قتل مادر و پسر اعتراف کرد و گفت: من ۱۰ سال قبل با این خانواده

آشنا شدم. من با شاپور در چند پروژه کاری سرمایه گذاری کردم و چون به آن‌ها گفته بودم خیر هستم به بهانه کمک به نیازمندان از آن‌ها حدود ۵۰۰ میلیون تومان، پول گرفته بودم اما شاپور متوجه ماجرا شده بود و می‌خواست ۵۰۰ میلیون تومان را به همراه سوش از من بگیرد. به همین دلیل تصمیم گرفتم تا شاپور را سر به نیست کنم.

وی در تشریح جزئیات قتل گفت: من به شاپور و خواهرش گفته بودم صاحب یک شرکت در اروا هستم که می‌توانم آن‌ها را برای کار به اروپا بفرستم. به آن‌ها گفته‌ام باید به دبی بروند و سپس از آن جا به یکی از کشورهای اروپایی ترانزیت ششوند. من به بهانه دادن مدارک سفر به شاپور اورا به باغی در حاشیه شهری کُشاندم و از او خواستم تا برای برگرداندن پول های خانواده اش به من مهلت دهد اما وی فحاشی کرد و من که عصبانی شده بودم با چوب به سرش زدم. سپس جسدش را به داخل چاه انداختم.

صبح روز بعد به بهانه‌ای خواهر شساپور و پسرش را نیز به باغ کُشاندم. من به شهاب گفتم مدارک او و مادرش در داخل چاه قرار دارد و باید به داخل چاه برود و مدارک را بیابود. من پاهای او را با طناب بستم شهاب وارد چاه شد اما در بین راه طناب را بریدم تا به داخل چاه سقوط کند. مقداری سنگ و کلوخ را هم به داخل چاه ریختم تا از مرگ او مطمئن شوم.

سپس سراغ شیرین رفتم. می‌خواستم او را بکشم که با داد و فریاد همسایه‌ها ا مطلع کرد.

حرف‌های شاکبان در دادگاه

درحالی‌که پزشکی قانونی علت مرگ شاپور را خفگی اعلام کرده بود محمد دپروز در شعبه دوم دادگاه کیفری

آگهی

داستانی عجیب برای قتل عام یک خانواده!

یک استان تهران ای میز محاکمه ایستاد و ادعای عجیبی را مطرح کرد. در ابتدای جلسه، خواهر و برادرهای شاپور برای محمد حکم قصاص خواستند. سپس شیرین و پسرش در جایگاه وکیل ایستادند و به اتهام شروع به قتل از محمد شکایت کردند.

شیرین گفت: محمد گفته بود باید اول برادرم را به اروا بفرستد. من و پسر اصرار کردم تا ما هم همراه شاپور برویم

اما او قبول نکرد. می‌گفت ما حتی نباید برای بدرقه برادرم به فرودگاه برویم. حق نداریم هیچ تماسی با او بگیریم و بعد از این که شاپور به اروپا برسد خودش با ما تماس می‌گیرد.

وی ادامه داد: یک روز از خداحافظی ما با شاپور گذشته بود که محمد سراغ آمد و گفت می‌خواهد من و پسرم را باغفلگیر کند. او ما را به برد محمد و پسرم به انتهای باغ رفته بودند که محمد هراسان پیش من آمد و گفت حال شهاب بد شده، غش کرده و به داخل چاه افتاده است. من که حرف او را باور کرده بودم به سمت چاه دویدم اما او یک باره مرا کتک زد و می‌خواست مرا بکشد که همسایه‌ها سر رسیدند.

زن سالخورده گفت: محمد با دروغ‌گویی هایش از خانواده‌ها پول زیادی گرفته بود و چون برادرم به دروغ‌های او پی برده بود او را کشت.

شهاب نیز در تشریح ماجرا گفت: در انتهای باغ، محمد از من خواست تا به داخل چاه بروم و مدارک سفر را از داخل چاه بیرون بیاورم اما او ناگهان طناب را پاره کرد تا به درون چاه سقوط کنم. چون قوی هیکل بودم در میانه راه در دهانه چاه گیر کردم و زنده ماندم. محمد دانشت مرا به قتل برساند به همین دلیل سنگ و کلوخ را به داخل چاه پرت می‌کرد. من در میانه چاه سکوت کردم و حرفی ن‌زدم تا او فکر کند مرده‌ام.

قاتل به محل قتل برگشت و خود را لو داد

این پسر نوه‌دایی‌اش است و برای تسکین‌دادن به اینجا آمده است. دقایقی نگذشت که دو مأموران کالتری به چهره و رفتار این پسر جوان مشکوک شدند. او مرتب عرق می‌ریخت و به شدت سرسیمه بود، دور و بر خانه را نگاه می‌کرد و سعی داشت همه چیز را زیر نظر بگیرد. همین کافی بود تا رئیس کالتری شهرک و لیعصر موضوع را با بازپرس در جریان بگذارد و در نهایت نیز دستور بازداشت این پسر صادر شد.

او تحت بازجویی قرار گرفت، ولی منکر ماجرا شد. ادعا می‌کرد هیچ نقشی در این جنایت نداشته است، این درحالی‌بود که صحنه جرم نشانی می‌داد فردی آشنا وارد خانه مقتول شده است و از طرف دیگر دستگاه ضبط دوربین‌های مداربسته نیز دیده شده بود. برای همین پسر بیست‌وهشت ساله تحت بازجویی بیشتر قرار گرفت، اما همچنان منکر ماجرا بود. این درحالی‌بود که بررسی‌ها نشان داد او سابقه سرقت لوازم خودرو دارد، تا اینکه دوست متهم به قتل سرخ‌پزگی را پیش‌روی مأموران پلیس قرارداد.

انگشتر طلای پیرزن دست قاتل را رو کرد

او بسا خضسور در کالتری راز ایسن جنایت را افشاش کرد و به مأموران گفت: «روزی که این پیرزن کشته شس، من با سهراب بودم. طبق بررسی‌هایی که در مورد قتل داشتم، می‌انم که آن زمان تقریباً یک

دستگیری سارق موتورسوار

ساختن موتورسیکلت مسروقه به آن نزدیک می شوند .

این مقام انتظامی گفت : راکب موتورسیکلت مسروقه با مشاهده خودروی پلیس و پس از شنیدن دستور ایست با افزایش سرعت فرار می کند که واحد گشت با استفاده از علائم هشدار دهنده چندین مرتبه به وی دستور توقف می دهند.

کرده بودم اما حالا وقتی متوجه شدم، شهلا و دیگر خواهر و برادرهایم برایم قصاص خواسته اند و به قولشان عمل نکرده اند تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم.

وی درباره اتهام شروع به قتل شیرین و پسرش نیز گفت: اتهام را قبول دارم. شهلا به خاطر اختلاف مالی که با آن‌ها داشت از من خواسته بود تا آن‌ها را بکشم. تحت‌تأثیر حسرف‌های او آن‌ها را فریب دادم و به باغ کُشاندم اما در اجرای نقشه قتل ناکام ماندم. به دنبال دروغ پردازی‌های این متهم بقضات وارد شورش شدند تا برای وی حکم صادر کنند.



دم محسوب می‌شوند رضایت بدهند و خیلی زود از زندان آزاد شسوم. من هم از ترس آبروم حرف‌های شهلا را قبول کردم. وی ادامه داد: دو برادر شهلا شاپور را در کوچه پشتی خانه‌شنان کشتند و جسدش را در خودروی من گذاشتند تا آن‌را به داخل چاه بیندازم. در بین راه جسد از داخل خودرو به بیرون افتاد و سرش متلاشی شد. به همین دلیل هم بعد از بازداشت گفتم با چوب به سر شاپور زده‌ام. در صورتی که پزشکی قانونی علت فوت او را خفگی اعلام کرده بود.

ایسن مرد گفت: من از ترس شهلا به قتل اعتراف

می‌توانست مشکلاتم را حل کند. نقشه را طراحی کردم و به بهانه دادن بسته حمایتی وارد خانه او شدم. پشت آیفون وقتی زنگ را زدم، گفتم می‌خواهم برای بسته حمایتی خانه‌اش را ببینم. او مرا زیاد نمی‌شناخت، برای همین کار راحت‌تر بود. اتفاقاً قبلیش هم از پسرش تلفنی پرسید که فردی برای دادن بسته حمایتی به خانه‌اش آمده است و پسرش هم گفت مشکلی ندارد. وقتی در خانه بودم، متوجه دوربین‌های مداربسته شدم، به همین دلیل فهمیدم سرقت امکان ندارد و از آن خانه رفتم، ولی چند دقیقه پیش از افطار دوباره برگشتم و گفتم که کلیدهایم را در خانه‌اش جا گذاشتم. وارد خانه شدم و این بار با جاقوی میوه‌خوری او را کُشتم، طلاهایش را برداشتم و دستگاه دوربین مداربسته را هم با خودم بردم. فکرش را نمی‌کردم به این زودی لو بروم. من واقعا وسوسه شده بودم و طلاهایش را برداشتم و دستگاه دوربین مداربسته را هم با خودم بردم. اما نمی‌دانستم که خودم را لو می‌دهم». سرسرهنگ کومرت حسنون، سرر کالتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت با اعلام این خبر گفت: «در حال حاضر متهم به بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات درباره او ادامه دارد.»

رئیسس مرکز عملیات پلیس آگاهی در پایان گفت: پس از دستگیری متهم مشخص شد وی دارای سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت در سال‌های اخیر می‌باشد. پرونده با موضوع سرقت موتورسیکلت تشکیل و برای رسیدگی تخصصی به پایگاه هشتم پلیس آگاهی ارجاع شد.

آزاد شسوم. من هم از ترس آبروم حرف‌های شهلا را قبول کردم. وی ادامه داد: دو برادر شهلا شاپور را در کوچه پشتی خانه‌شنان کشتند و جسدش را در خودروی من گذاشتند تا آن‌را به داخل چاه بیندازم. در بین راه جسد از داخل خودرو به بیرون افتاد و سرش متلاشی شد. به همین دلیل هم بعد از بازداشت گفتم با چوب به سر شاپور زده‌ام. در صورتی که پزشکی قانونی علت فوت او را خفگی اعلام کرده بود.

ایسن مرد گفت: من از ترس شهلا به قتل اعتراف

ساعت از قتل گذشته بود. من و سهراب با هم بیرون رفتم. سهراب اصلا ناراحت نبود، به من گفت بیا برویم آبمیوه و بستنی بخوریم. گفت می‌خواهم مرا میهمان کند. من هم قبول کردم. وقتی با هم بودیم، هنگامی که می‌خواست موبایلش را از جیبش دربیآورد، ناگهان انگشتر طلایی‌اش از جیبش افتاد. او هیچ حرفی نزد و انگشتر را دوباره داخل جیبش گذاشت. وقتی می‌خواست پول آبمیوه را حساب کند، این بار یک انگوی طلا از جیبش افتاد. من باز هم حرفی ن‌زدم. تا اینکه او به من گفت در اینستاگرام کلیدی دیده است که افرادی به بهانه دادن بسته حمایتی وارد خانه پیرزنی تنها شسده و او را کشته‌اند. وقتی ماجرای این جنایت را شنیدم، تصمیم گرفتم این حرف‌ها را به پلیس بگویم، شاید سر نخ‌ی باشد. برای کشف‌راز جنایت؛ ممکن است این زن به بهانه بسته حمایتی به قتل رسیده باشد.» این اظهارات کافی بود تا سهراب دیگر نتواند موضوع را انکار کند. او به این جنایت اعتراف کرد و گفت که چطور پیرزن تنها را با چاقو کشته است تا فقط چند قطعه طلا از او بدزدد: «مقتول عمه پدرم بود. او شکسته‌بد بود و تنها زندگی می‌کرد. ما به خانه‌اش رفت‌وآمد نداشستیم، با این حال می‌دانستم که او در خانه‌اش طلا دارد. یک پیرزن تنها همیشه طلاهای زیادی برای خودش دارد، تا اینکه بلاخره تصمیم گرفتم آن طلاها را سرقت کنم. مشکلات مالی زیادی داشتم و آن طلاها

کار آگاه گرافی در ادامه گفت : با توجه به حرکات مخاطره آمیز راکب موتورسیکلت افسر اکیب ۲ تیرهوایی شلیک می کند که راکب موتورسیکلت با متوقف کردن موتور و رها کردن آن به صورت پیاچه به فرار خود ادامه می دهد که با عکس العمل و اقدام سریع اعضای اکیب متهم به نام یاسر دستگیر می شود.

تلفن **۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)**
سایت: **www.eghtesad-kish.ir**

شامزرا
انواع غذاهای ایرانی دریایی با کیفیت عالی
کیش بازار عربها جنب نانوايي لواش
۰۹۳۸۳۴۳۶۴۲۲
۰۹۳۴۷۶۸۰۴۲۱

نیازمندیهای
اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

مفقودی
اصل قرارداد به شماره ۸۵/۳/۳۱۴ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ و تمامی مدارک تحویل واحد آرامیس ۲-۳g فی مابین خانم زهرا اکبری طاری و شرکت سهامی تجار کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
اصل قرارداد به شماره ۸۵/۳/۳۱۱ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ و تمامی مدارک تحویل واحد آنیتا ۲ – ۳a فی مابین آقای مصطفی شمس و شرکت سهامی تجار کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
اصل قرارداد به شماره ۸۵/۳/۳۲ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ و تمامی مدارک تحویل واحد نارون p فی مابین خانم زهرا اکبری طاری و شرکت سهامی تجار کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خدمات

دسترسایمن بدون داربست
عایق نانو جهت جلوگیری از نفوذ آب باران به داخل اسکوپ سنگ‌های در حال ریزش (پیچ و رول پلاک)، شستشوی نما
شماره تماس ۰۹۱۲۰۸۱۴۳۵۴

مفقودی
اصل قرارداد به شماره ۸۵/۳/۳۱۲ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ و تمامی مدارک تحویل واحد آرالیا ۴-۵b فی مابین خانم زهرا اکبری طاری و شرکت سهامی تجار کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی
اصل قرارداد به شماره ۸۵/۳/۳۲ مورخ ۸۵/۱۲/۱۰ و تمامی مدارک تحویل واحد نارون p فی مابین خانم زهرا اکبری طاری و شرکت سهامی تجار کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد
نیازمندیم
۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

فروش و معاوضه

معاوضه زمین ۴۸ هکتاری بین
مشهد و قوچان با آپارتمان
و یا زمین در جزیره کیش
تماس ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۳

آشپزخانه و رستوران خاتون
ارزانترین غذای پرسنلی
با کادری مجرب و درخشان
همراه با سرویس رایگان
پشت خانه گستر جنب نمایشگاه ماشین
۰۹۳۴۷۶۸۲۵۳۳
۰۷۶۴۴۴۴۰۴۰۰

استخدام

آموزشگاه رانندگی آلا کیش
به چند نفر مربی رانندگی با تجربه آقا نیازمندیم
شماره تماس ۰۹۱۲۷۶۹۱۲۳۳

به یک کارمند اداری خانم مسلط به کار اداری
جهت کار در آموزشگاه رانندگی نیازمندیم
شماره تماس ۰۹۱۲۷۶۹۱۲۳۳

به تعدادی نیروی کمک آشپز ، ظرف شور و
پیک جهت کار در رستوران نیازمندیم .
۰۹۳۷۲۱۸۵۵۰۸

شرکت پاک سامان کیش
به تعدادی نیروی خدماتی-نظافتی آقا جهت کار در مجتمع
مسکونی نیازمندیم شماره تماس ۰۹۱۹۲۱۲۲۲۰۴

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

شهروند گرامی کیش!

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزهها آگهی در نیاز مند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.

از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای

آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.